

نسل اطلاعات

و اقتصاد مبتنی بر دانش

منبع: STRATEGIC DIRECTION JULY .
AUGUST 1993

ترجمه و تلخیص: محمدحسین حکیمیان

اشاره:

به هر طرف نگاه کنیم، سیستم‌های باز را می‌یابیم که با محیط خود در ارتباط متقابل هستند. در این میان، سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی توسط «اطلاعات» به یکدیگر پیوند می‌یابند و در واقع اطلاعات، شریان حیاتی این سیستم‌ها است. رمز بقای این سیستم‌ها نیز در ارتباط فعال مداوم و متقابل اطلاعاتی با محیط نهفته است. شواهدی بر این مدعا، سرنوشت کشورهای است که در طول سالیان متمادی، انزوای اقتصادی اختیار کردند و حساسه‌های لازم را در درون سیستم اقتصادی - اجتماعی خود تعبیه نمودند.

اطلاعات چیست؟ منظور از اطلاعات، صرفاً اخبار مندرج در مطبوعات و منتشره از طریق رسانه‌های جمعی نیست. پرزده پرنده، چشمک زدن چراغ راهنما و هرآنچه متضمن پیام باشد اطلاعات است و در این معنای وسیع، یکی از سه رکن طبیعت (علاوه بر دو عنصر بنیادی «ماده» و «انرژی») می‌باشد که مواد لازم را برای فعالیت و خلاقیت انسان در طبیعت فراهم می‌نماید.

گسترده‌گی این مفهوم پس از جنگ جهانی دوم با پیشرفت شتابنده تکنولوژی اطلاعات به حدی است که به عنوان یکی از عوامل تولید، نقش استراتژیک در پهنه اقتصاد کشورها می‌یابد. اگر در قرون هجده و نوزده و اوایل قرن بیستم، بحث‌های فراوانی در زمینه نیروی کار، سرمایه و مدیریت در اقتصاد مطرح بود هم‌اکنون «اطلاعات» و «اقتصاد اطلاعات» محور بحث‌های فراوان است به طوری که مفهوم تکنولوژی «دانش‌بر» جایگزین مفاهیم «کاربر» و «سرمایه‌بر» می‌گردد.

در تاکید بر اهمیت این عامل، گفتنی است که اندیشمندان فراوانی، عصر کنونی را «عصر اطلاعات» نامیده و در زمینه جامعه انفورماتیک آینده به پیشگویی پرداخته، برخی با تکیه بر رشد تکنولوژی‌های نوین، تصویری بدبینانه از جهان آینده ترسیم کرده‌اند و عده‌ای دیگر با تاکید مفرط بر جنبه کارکردی تکنولوژی اطلاعاتی، جهانی را در برابر ما تصویر کرده‌اند که ابعاد انسانی آن، مشکلات عمده جوامع بشری را چون بیسوادی، بیکاری،... از بین خواهد برد. از دیدگاه توسعه نیز، دیگران به تاثیر این عامل بر شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اشاره کرده و معتقدند که هیچ رشته دیگری در ازدیاد فاصله بین کشورهای شمال و نیز در ایجاد فاصله میان کشورهای شمال و جنوب به اندازه بخش‌های اطلاعات و ارتباطات اثر ندارد و در هیچ زمینه‌ای وابستگی جهان سوم بیش از وابستگی اطلاعاتی آن نیست و در هیچ رشته‌ای مفهوم خود اتکایی، چنین فراموش نشده است.

لیکن در این شرایط و دوران که ما بخشی از نسل اطلاعاتی هستیم، برخی از کشورهای درحال توسعه از خواب زمستانی برخاسته‌اند. تایوان، هند، مالزی و... با گسترش پایگاه‌های اطلاعاتی وسیع و شبکه‌های گسترده پردازش اطلاعات، پیشرفت‌های چشمگیری در این زمینه داشته‌اند. سنگاپور، طی «برنامه ملی تکنولوژی اطلاعاتی» در سال ۱۹۸۵، هفت استراتژی کلی برای ورود به عصر اطلاعات تدوین نموده است. صادرات نرم‌افزاری هند در دو سال پیش به میزان ۱۳-۱۲ میلیارد دلار رسید. سوال این است که آیا در کشور ما زمان آن فرا نرسیده که نظام اطلاعاتی در پیوند با تمامی فعالیت‌های اقتصادی با تاکید بر توسعه ملی در شرایط متحول و متغیر جهانی، نقش اساسی و حیاتی خود را ایفا نماید.

مقاله حاضر، ضمن تاکید بر مفهوم گسترده اطلاعات و اقتصاد مبتنی بر دانش به تشریح تلاش‌های وسیع شش شرکت DIGITAL EQUIPMENT در گسترش کاربری‌های تکنولوژی می‌پردازد و در این میان به مفهوم «سازمان یادگیرنده» بر می‌خوریم که چگونه خود را در ارتباط با تغییرات و تحولات فزاینده محیطی به روز می‌نماید

تفاوت عمده‌ای بین اطلاعات (INFORMATION) و دانش

(KNOWLEDGE) وجود دارد و این سوال که آیا، همواره در دوران اقتصاد مبتنی بر دانش بسر خواهیم برد بدون پاسخ خواهد ماند، اما شکی وجود ندارد که ما بخشی از نسل اطلاعاتی هستیم.

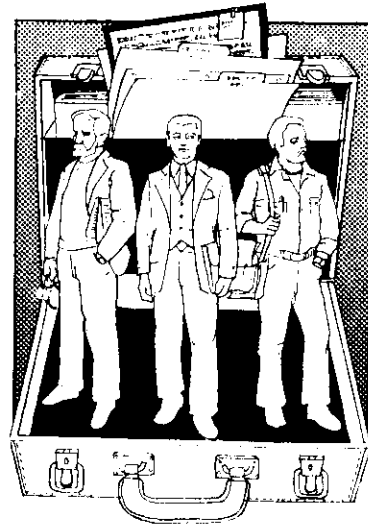
محققان، ظهور اقتصاد مبتنی بر دانش را نوید می‌دهند که در آن رشته‌های تخصصی متفاوت به هم نزدیک و بحث و مناظره بین صنایع تولیدی و خدماتی در حرف باقی خواهد ماند. نسل اطلاعاتی را پیش‌رو داریم، آنهایی که دست‌اندرکار یکپارچگی سیستم‌ها و بهره‌مند از تکنولوژی‌ها می‌باشند، معتقدند که تکنولوژی اطلاعاتی برای موفقیت هر کسب و کار حیاتی است.

یکی از پیشگامان این نسل «راجرز» استراتژیست نوآوری در سطح جهانی برای شرکت DIGITAL EQUIPMENT است. او با هوشیاری از اهمیت توسعه استراتژی سیستم‌های یادگیری فعال آگاه است که از آن طریق، فرد قادر به کار در یک محیط فزاینده رقابتی و پرشتاب تکنولوژیک در چارچوب شبکه‌ها می‌شود که ارتباطات افقی در سطح افراد خیره را تشویق می‌نماید. همانند هر تغییر در محیط کار، این تغییرات، فرصت‌ها و تهدیداتی را به همراه دارد. افرادی که با الزامهای ناشی از شتاب تکنولوژی مواجه می‌شوند باید از موارد زیر آگاه باشند:

- تغییرات جهانی در جهت ایجاد اقتصادهای مستقل.
 - تغییر کسب و کار در جهت راه‌حل‌های موردپسند و مطابق با نیازهای مشتری.
 - تغییر مفهوم کار در جهت کار گروهی.
 - افزایش تنوع که قابلیت‌های سازمانی چندبعدی را می‌طلبد.
 - تغییرات مدیریت در جهت سیستم‌های نوآوری خودکار که جریان دانش را تشویق می‌کند.
 - تغییر رهبری که نیازمند جمع‌شدن افراد توانا با مقاصد مشترک زیر یک سقف است.
- علت اینک مدیران، امروزه در مقابل سرمایه‌گذاری بر روی تکنولوژی اطلاعاتی مقاومت می‌ورزند آن است که آنها در درک چگونگی حمایت این تکنولوژی در کار روزانه خود عاجز هستند.

در بسیاری موارد، آنها قبلاً در اشکالی از تکنولوژی، سرمایه‌گذاری نموده‌اند بدون آنکه عنصر انسانی را مدنظر قرار دهند. آنها به کندی این درس را فرا می‌گیرند که نقش تکنولوژی تنها بسته

به مفید بودن انسان‌هایی است، که از آن بهره می‌گیرند و بکارگیری تکنولوژی آندرا آسان نیست که بتوان آن‌را غیرمعتادانه مورد استفاده قرار داد. شرکت‌هایی چون «دیجیتال»، بحث ایجاد سازمان‌های یادگیرنده را در صدر مسایل خود قرار داده‌اند. آنها فعالیت خود را به سمت سازمانی بسط و گسترش داده‌اند که در کامپیوتر، خدمات نرم‌افزاری و مشاوره‌ای مرتبط درگیر هستند. صرفنظر از راه‌اندازی بزرگترین شبکه جهانی غیرنظامی کامپیوتری، شرکت همچنین ۳۸/۰۰۰ نفر در ۴۵۰ مکان در ۹۷ کشور جهان را در استخدام دارد. رمز موفقیت در شبکه مراکز ارائه خدمات حرفه‌ای، مراکز حمایت از مشتری و ۱۳۷ مرکز یادگیری از طریق شبکه‌ها نهفته است.



پیشرفت‌های تکنولوژیک، دیجیتال و صنعت کامپیوتر را وادار می‌سازد تا روابط خود را با تامین‌کنندگان قطعات و لوازم یدکی، شرکا و رقبا مورد تجدید نظر قرار دهند. دیجیتال، شبکه باز یادگیری را گسترش داد تا ابزارهای شبکه‌ای چندحساسه و دارای ارتباطات متقابل را که به کاربران اجازه فراگیری در حین کار می‌دهد، تدارک نماید، چرا که طی بررسی‌ها و تحقیقات روشن شده است که روش یادگیری مشتری، نه تنها بر تکنولوژی ارائه شده بلکه بر طبیعت و ماهیت همکاری تاثیر می‌گذارد.

زمینه‌های مورد توجه شرکت «دیجیتال»، امکانات ذاتی پیشرفت در موارد زیر است:

- شبکه‌های با سرعت بالا
- محیط‌های استفاده از چند رسانه
- خدمات عمومی اطلاعاتی
- راهبری و هدایت اطلاعاتی
- واقعیت مجازی
- آموزش مبتنی بر کامپیوتر و ویدئوی دوسویه (پرس و جو).
- در عین حال، «دیجیتال» از ابعاد انسانی چنین پیشرفت‌هایی آگاه و مطلع است.

«دیجیتال»، همچنین به استراتژی‌های تحقیق و توسعه خود با هدف سرعت بخشیدن به انتقال تکنولوژی در بازار می‌نگرد. در گذشته، تحقیق و توسعه از محور بودن کسب و کار براساس مشتری جدا بود. لیکن هرچه بیشتر روشن می‌گردد که زمان، هسته اساسی این موضوع است. دیجیتال باین هدف در دیدگاه خود، یک سیستم نوآوری مبتنی بر دانش (KNOWLEDGE INNOVATION)

- موفقیت مشتری: رضایت مشتری هنوز مهم است و همین‌طور باقی خواهد ماند.
- استراتژی همکاری: همکاری و رقابت با هم وجود دارند همان‌طور که رابطه مشتری، تامین‌کننده قطعات و لوازم منعطف و سازگار باقی خواهد ماند.

● رهبری فراملیتی: پیچیدگی‌های بازار جهانی به معنای آن است که احتمال وجود یک محصول جهانی به همراه یک مصرف‌کننده جهانی کم است. شرکت‌ها نیازمند تصمیم‌گیری بر روی استراتژی‌های بین‌المللی و چند ملیتی هستند.

● نوآوری مشتری: همانند همیشه، فروش به مشتری، نیازمند درک مداوم و هرچه بیشتر بازار با حفظ موازنه بین دو نیرو است که از طرف بازار یا محصول اعمال می‌شود.

مانند هر محصول دیگر، تکنولوژی اطلاعاتی، درک نیازهای مشتریان و کاربران را می‌طلبد. علم مدیریت با علم تکنولوژی اطلاعات با وجود کارکنانی که از چگونگی کاربرد بهینه تکنولوژی مطلع نیستند، خود را تطبیق نداده و پیشرفت نکرده است.

شرکت‌هایی مانند «دیجیتال» با مشکلاتی که در عصر کامپیوتر بوجود آمده است، دست‌وپنجه نرم می‌کنند. گرچه ممکن است در نسل اطلاعاتی زندگی کنیم اما تا رسیدن به اقتصاد مبتنی بر دانش راه درازی در پیش داریم. □

(SYSTEM) را ابداع کرده است تا فرایند یادگیری را در کل شرکت شتاب بخشد.

گرچه «دیجیتال»، شرکتی پیشاپیش پیشرفت‌های تکنولوژیک است لیکن از چگونگی کارکرد سازمان، بسط و گسترش طراحی سیستم‌های مدیریت شرکتها (ENTERPRISE MANAGEMENT SYSTEMS ARCHITECTURE) که از طریق آن عوامل کلیدی ایجاد سازمان‌های بزرگ مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، روانشناسی، مدیریت و تکنولوژی را کنار یکدیگر قرار می‌دهد، آگاه است.

پیشرفت EMS-A از طریق تشویق مدیران به یافتن پاسخ‌هایی به سوالات خود به کمک آنها می‌آید تا اهداف خود را تعیین نمایند و پیشرفت در نیل و دستیابی به آنها را مورد سنجش قرار دهند.

«راجرز»، خاطر نشان می‌سازد که چالش‌های فراوانی رویاروی سازمان‌های کنونی قرار دارد از جمله:

● سیستم‌های نوآوری: شرکت‌ها نیازمند بررسی و آزمون زنجیره‌های عرضه و ابتکارات کیفیت خود برای حفظ و تامین استانداردهای سطح بالا در جهان رقابتی هستند.

● دارائیهای معنوی: جریان اطلاعات برای کسب دانش، مهم و اساسی خواهد بود.

● سازمان یادگیرنده: تعلیم و تربیت، توسعه آموزش و مهارت‌ها حیاتی خواهد بود اگر قرار باشد کارکنان توان بالقوه خود را بالفعل نمایند.

زیر نویس‌ها:

- ۱- OPEN LEARNING NETWORK: شبکه‌هایی که به عنوان منابع اطلاعاتی عمل می‌کنند و در سطح وسیع برای یادگیری عموم مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- ۲- NETWORKED MULTISENSORY TOOLS: ابزارهای دریافت داده‌ها از طریق مخلتف از جمله صوت، تصویر، BARCODE و غیره.
- ۳- MULTI MEDIA: تکنولوژی که از طریق آن کلیه ارتباط‌های الکترونیک از جمله فاکس، نمایش فیلم، پخش موسیقی، ضبط اطلاعات از طریق دستگاه‌های چندمنظوره میسر می‌شود.
- ۴- VIRTUAL REALITY: امکانات طراحی فضای سه بعدی به گونه‌ای که هر محیط را بتوان به شکل واقعی آن تصویر کرد.
- ۵- INTERACTIVE VIDEO: در این تکنولوژی که هنوز تحقق نیافته است، سعی می‌شود همانند کامپیوتر، ارتباط تلویزیونی از طریق شبکه برقرار شود.

تجهیز منابع سرمایه‌ای...

بقیه از صفحه ۱۱

با استفاده از تکنولوژی‌های جدید تسهیلات لازم را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند.

طبیعی است که با رعایت نکات فوق می‌توان انتظار داشت نرخ تشکیل سرمایه در کشور افزایش یابد. از طرف دیگر با اعلام مواضع صریح قانونی کشور چه از بعد قانون اساسی و چه از بعد سایر قوانین در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی و نشان‌دادن عزم راسخ مسئولان در این رابطه می‌توان انتظار داشت سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی در تعامل با یکدیگر و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های اولویت‌دار کشور موجب افزایش تولید ناخالص ملی کشور گردد.

● چگونه می‌توان منابع سرمایه‌ای بنگاه‌های اقتصادی را تجهیز کرد؟

پرستی بود که «تدبیر» با یکی از صاحب‌نظران پولی و ارزی کشور مطرح کرد، وی گفت:

برای رسیدن به پاسخ سئوالی که مطرح شد، به نظر من ارزیابی برنامه اول از زاویه موفقیت‌ها و عدم توفیق‌ها ضرورت دارد تا براساس آن بتوان الگویی را ترسیم کرد که برای مدیران بنگاه اقتصادی راهگشا باشد. در برنامه اول با آنکه بیش از ۳۰ میلیارد دلار در بخش صنعت صرف شد، اما جهت‌گیری به سمتی نبود که کشور را به سمت تامین نیازهای ارزی در مقطع فعلی هدایت کند. در این برنامه صرف‌نظر از اینکه استراتژی توسعه بخشی بود و بین بخش‌ها نیز ناهماهنگی‌هایی بوجود آمد؛ در داخل بخش‌ها نیز عمدتاً در پی استراتژی جایگزینی واردات و محصول نهایی بودیم. نتیجه آن شد که بخش اعظم سرمایه‌گذاری‌های ما، گرچه بخشی از واردات ما را جواب می‌دهد، اما خود به ارز نیاز دارد، صنعت نساجی کشور در این زمینه مثال خوبی است. ما در برنامه اول ظرفیت چشمگیری برای صنعت نساجی ایجاد کردیم، ولی در حال حاضر در زمینه تامین مواد اولیه و قطعات یدکی این صنعت با دشواری روبرو هستیم؛ متأسفانه کیفیت و نوع طرح کالاهای نساجی صادراتی ما هم در بازارهای جهانی به‌گونه‌ای نیست که به‌سادگی بتواند جای خود را باز کند. حالا این اشکال جدا از سهمیه‌بندی‌هایی است که معمولاً در بازارهای جهانی وجود دارد. نکته دیگر آن که

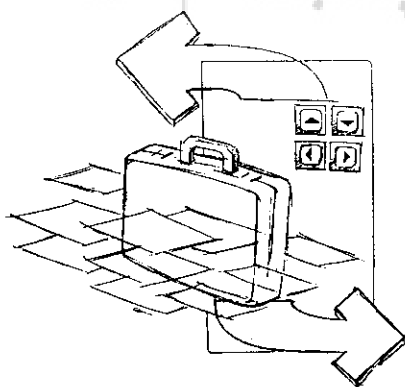
واحدهای زیادی را مشاهده می‌کنید که ادامه تولید آنها درگرو تامین یک قطعه یدکی است.

نکته دیگر آن که ما در دو سه سال اول این برنامه، استفاده از منابع خارجی به صورت وام یا اعتبار و سرمایه‌گذاری خارجی را برای خود تحریم کرده بودیم. آشکار است که این دیدگاه ما را به سمت انتخاب صنعت و تولیدی هدایت می‌کند و به علاوه ناگزیر می‌سازد به بازارها و کشورهای روآوریم که با این محدودیت‌های خودساخته سازگار باشد. بطور مثال ما در برنامه اول در پی ایجاد نیروگاه از محل منابع خارجی نبودیم - درحالی که این رویکرد در برنامه دوم دیده می‌شود - نتیجه آن شد که بخش مهمی از منابع سرمایه‌ای کشور که تمامی آن نیز اعتبارات بخش دولتی بود صرف تاسیس نیروگاه شد. این شیوه گرچه ممکن است در مراحل اولیه توسعه درست باشد، اما در اوضاع و احوال کنونی کشور، بی‌شبهه بهترین شکل استفاده از منابع ارزی نخواهد بود. مثال‌های دیگری نیز می‌توان زد. خرید هواپیما در برنامه اول عمدتاً به صورت اعتبارات نقد یا نهایتاً یوزانس‌های یکساله و دو ساله انجام شد در حالی که خرید هواپیما در اکثر کشورهای دنیا به صورت اجاره به شرط تملیک یا اجاره‌های دیگر و حتی به صورت سرمایه‌گذاری مشارکت خارجی صورت می‌گیرد؛ بدین ترتیب این محدودیت به سمت‌گیری بخشی از سرمایه‌گذاری‌های کشور و نوع استفاده از منابع جهت داد و در نتیجه توانستیم منابع کشور را آزادانه در رشته‌هایی بکار گیریم که اگر مقایسه کنیم شاید مزیت‌های نسبی بیشتری داشتند. کوتاه سخن آن که بخش عمده‌ای از منابع ما در برنامه اول تحت تاثیر این محدودیت به سمت سرمایه‌گذاری‌های خاصی سوق داده شد. در برنامه دوم هم در زمینه تخصیص منابع مالی ناگزیر به تجدیدنظر بوده و هستیم. خوشبختانه مجلس شورای اسلامی در این زمینه هوشیاری زیادی از خود نشان داد. نخست آن که راه را برای استفاده از منابع خارجی در بسیاری از پروژه‌ها که در برنامه اول به هیچ روی قابل قبول نبود باز کرده؛ و دوم آن که به موانع حقوقی و قانونی موضوع عنایت نشان داده است؛ و چنانچه دستورالعمل‌های اجرایی مناسب تهیه شود، می‌توان امیدوار بود که ما به سمت استفاده بهینه از منابع مالی و ارزی گام برداشته‌ایم. ناگفته نماند که در این زمینه مشکلاتی نیز مشاهده می‌شود. به‌رغم آشکارشدن بسیاری از تنگناها، در این

در برنامه اول برخی سرمایه‌گذاری‌های ما در زمینه کالاهای خاص اصولاً با نیازها و تقاضای امروز بازارهای جهانی سازگار نیست. بطور مثال امروز شرکت الیاف ما با ظرفیت بالای خود، محصولی را تولید می‌کند که ممکن است در بازارهای بین‌المللی نتواند بفروشد. اشکال دیگری که در برنامه اول وجود داشت و ما باید پیش‌روی داشته باشیم که بتوانیم برای مدیر بنگاه‌های اقتصادی در پنج سال آینده راه‌حل ارائه کنیم آن بود که در سرمایه‌گذاری‌ها، امکانات ساخت داخل و ظرفیت‌سازی جنبی را رعایت نکردیم؛ یعنی بسیار عجله داشتیم که کارخانه‌ها پشت سرهم ایجاد شوند و به محصول برسند. این هدف را به قیمت خرید هر نوع تکنولوژی از غرب پی گرفتیم، ولی امروز این صنعت برای آنکه خود را اداره کند، تکنولوژی ناظر بر آن در کشور نهادی نشده، یعنی به‌گونه‌ای ایجاد نشده‌است که بتواند پشتیبانی و حمایت‌های لازم را در داخل کشور داشته باشد چه از باب توسعه بعدی یا تامین قطعه یدکی و چه از نظر سازگاری با محیط. به بیان دیگر شما امروز

نصیرزاده:

* در حال حاضر از یک سو سیاست‌های برنامه دوم در معرض دید مدیران بنگاه‌ها است که حداقل ثبات پنج ساله‌ای را به آنان نشان می‌دهد، از سوی دیگر تحولات غیرقابل پیش‌بینی روزمره که چشم‌انداز درازمدت را مبهم می‌سازد.



برنامه زمینه‌سازی‌های حقوقی و مالی لازم برای پشتیبانی و هدایت سرمایه‌های خارجی به داخل کشور پیش‌بینی نشده‌است. جدا از خواسته سرمایه‌گذار خارجی که اصولاً در پی محیطی امن با آرامش درآمدت است، مجموعه قوانین و ابزارهایی نیز که باید در اختیار او قرار گیرد، به صورت مدون، اجرایی و تجربه شده نداریم. تنها ابزار موجود، قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی است که آن هم بدرغم تمامی تلاش‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی، هنوز نتوانسته‌است به میزان لازم در جذب سرمایه خارجی موثر باشد.

بدنظر من مدیر بنگاه اقتصادی برای توفیق در برنامه‌ریزی سازمان خود باید از منابعی که دولت در برنامه دوم در اختیارش خواهدگذار، قطع امید کند. یعنی بدرغم نوسانات تصمیم‌گیری روزمره، برنامه پنجساله را محور عملیات خود قرار دهد. و بر آن اساس برنامه‌ریزی کند. زیرا اگر تحت تاثیر نوسانات روزمره قرار گیرد بدون تردید کشور را از سرمایه‌گذاری محروم می‌کند.

تعریفی از توسعه وجود دارد که می‌گویند جامعه توسعه‌یافته جامعه‌ای است که وقتی در مقابل یک سؤال قرار می‌گیرد یا جواب آن را از

پیش دارد یا آنکه سیستمی دارد که سؤال را می‌گیرد و طی یک فرآگرد پاسخش را می‌یابد. این هم سؤال که ما در مورد سرمایه‌گذاری خارجی داریم این پرسش را برای من مطرح می‌کند که با این تعریف توسعه ما کجا هستیم!

اما در زمینه تجهیز منابع، سرمایه‌گذار با سه موضوع رودررو است. نخست مسایل داخلی است که در این بحث به‌خوبی تشریح شد؛ محدودیت‌ها و امکانات نیز مطرح شد. و جدا از این بحث که پروژه‌ای که او می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند باید توجیه اقتصادی داشته باشد با دو موضوع دیگر نیز روبرو است. و آن اینکه پروژه‌ای که می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند در مجموعه کشورهای منطقه و موقعیت جغرافیایی، چه جایگاهی دارد. آیا محلی برای دادوستد میان این پروژه و سایر امکانات و محدودیت‌های اقتصادی منطقه فراهم می‌شود یا خیر؟

تجربه نشان می‌دهد پروژه‌هایی که توانسته‌اند با همسایگان خود مبادله تجاری داشته باشند، امکان جذب سرمایه بیشتری داشته‌اند. دویی امروز بسیاری از سرمایه‌ها را جذب می‌کند که برای خود او توجیه اقتصادی ندارد ولی برای

بازار ایران دارد. بنابراین این مطلب درست است که سرمایه‌گذاری و افزایش تولید ناخالص ملی را نباید تنها در محدوده داخل کشور مورد نظر داشته باشیم.

موضوع دیگر وضعیت اقتصاد جهانی است. امروزه در اوضاع و احوالی بسر می‌بریم که قوانین اقتصادی و تجاری دنیا به شکل جامع (GLOBAL) و در واقع واحد مطرح می‌شود.

تشکیل سازمان تجارت جهانی بعد از موافقت‌نامه گات یکی از جلوه‌های همگرایی جهانی است. بر حرکت سرمایه جهانی نیز قوانین یکسانی حاکمیت دارد. اگر تمام بسترسازی‌ها که آقای خاموشی بدرستی مطرح کردند فراهم شود، اگر کشور ما در این معامله جهانی ننگند، سرمایه به سمت ما نخواهد آمد؛ زیرا امروزه در مراکز خاصی تصمیم‌گیران سطح بالای کشورهای پیشرفته صنعتی گرد هم می‌نشینند و راجع به کشورهای جهان تصمیم می‌گیرند.

جدا از این سه مساله که مدیر بنگاه اقتصادی با آن مواجه است، دولت نیز باید تکلیف خود را در مورد قبول یا رد سرمایه خارجی روشن کند. اگر مورد قبول است دولت باید زمینه‌های لازم برای ورود سرمایه خارجی را فراهم سازد.

خزانه

بهترین، قوی‌ترین و کارآترین سیستم حسابداری انبار

کدینگ اقلام موجودی را شناسایی کنید. اشتباهاتی از قبیل تخصیص چند کد به یک کالا....

- در **خزانه** امکان طراحی فرمهای انبار پیش‌بینی شده است.
- **خزانه** به سیستم رمزگذاری سلسله مراتبی مجهز است.

آماده‌ایم تا درباره توانایی‌های بسیار دیگر سیستم خزانه با شما گفتگو کنیم.

خزانه محصولی از
شرکت پایانه راد
ابتدای خیابان دکتر بهشتی،
شماره ۵، طبقه دوم
تلفن ۸۴۷۶۴۱، ۸۳۷۵۷۳
فاکس ۸۴۸۲۴۵

از موارد گفته شده نیز تهیه کرد، مثلا محصول به تفکیک طرف تجاری، مرکز هزینه، به تفکیک حساب موجودی و یا حتی در حالت سه تفکیک مثلا مرکز هزینه، حساب موجودی، برنامه تولید.

- در سیستم **خزانه** علاوه بر گزارشهای تعریف شده، امکان تعریف گزارش پیش‌بینی شده است.
- سند حسابداری یکی دیگر از گزارشهای **خزانه** است که در هر فاصله زمانی قابل تهیه است.
- انبارگردانی، همراه با کلیه گزارشهای آن نیز یکی دیگر از توانایی‌های **خزانه** است.
- **خزانه** تسهیلاتی در اختیار شما قرار می‌دهد که با استفاده از آنها قادر هستید تا اشتباهات در

خزانه تنها پاسخ درخور به نیازهای حسابداری انبار شماست. گوشه‌ای از توانایی‌های سیستم **خزانه** عبارت است از

- در **خزانه** قیمت گذاری بر اساس روش انتخاب شده (AVR, FIFO,) و به لحظه انجام می‌گیرد.
- مانده موجودی و نیز کارت انبار هر کالا بصورت ریالی و تعدادی و در هر لحظه در اختیار شماست.
- تنها با استفاده از یکی از گزارشهای متنوع **خزانه**، قادر خواهید بود تا گردش ریالی و تعدادی هر انبار، کالا، طرف تجاری، مرکز هزینه، حساب موجودی و یا شماره حساب را در هر فاصله زمانی و بصورت خلاصه یا ریز تهیه کنید. حتی می‌توانید گزارش فوق را در حالت ترکیبی